

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

حضرت مهدی عج همه‌ی مصائب عاشورا را متحمل می‌شوند.

ایام سوگ و غم، و حزن و اندوه را، به محضر صاحب عزای واقعی، بقیه‌الله‌الاعظم عج تسلیت می‌گوییم؛ زیرا بر خلاف دیگران که ممکن است از فجایی که در حول مسأله‌ی عاشورا رخ داد، فقط گزارشی بشنوند، آن حضرت فوق دیدن [در متن حادثه حضور دارند]. اهل مکاشفه، اهل شهود، ممکن است به مرتبه‌ای برسند که بتوانند ببینند! پرده‌ها کنار رود، وقایع عاشورا را ببینند؛ اما حقیقت مهدوی با حقیقت حسینی علیه‌الصلوة‌و‌السلام یگانه است، بنابراین حضرت بقیه‌الله عج در متن حادثه حضور دارند و همه‌ی رخدادهایی که برای حضرت اباعبدالله علیه‌السلام و اولاد و اصحاب و اهل‌بیت بزرگوارشان رخ داد و ما می‌شنویم، مستقیماً برای خود آن حضرت رخ می‌دهد.

عصر عاشورا جایی بودم و به اجبار مرا به حرف در آوردند و آلا آن زمان، زمان حرف زدن نبود. آن روز اشاره کرده‌ام که دوست اهل‌بیت علیهم‌السلام اگر به آن مقام شایسته‌ی یگانگی با حجت خدا برسد، همه‌ی رخدادهای عاشورا برای خود او رخ می‌دهد! یعنی عمود آهن بر فرق خود او می‌خورد؛ ضربات نیزه‌ها و شمشیرها به پیکر خود او وارد می‌شود! یعنی دوست اهل‌بیت علیهم‌السلام در روز عاشورا، یک‌تنه همه‌ی مصائب اباعبدالله علیه‌السلام و اصحاب و اولاد بزرگوارشان را متحمل می‌شود. و عصرعاشورا، غروب عاشورا، جنازه‌ای از او برجا می‌ماند که اسب‌ها بر او تاخته‌اند و چیزی از او باقی نگذاشته‌اند. حتی استخوان‌های

سینه را هم زیر سم اسب‌های خودشان کوبیده‌اند و پودر کرده‌اند. **رَضُّنَا الصَّدْرَ!**^۱

۱. ابن‌نماحلی، مثيرالأحزان، ص ۷۸؛ سیدابن طاووس، لهوف، ص ۱۳۵ و مجلسی، بحارالانوار، ص ۱۶۱.

اگر خدا عنایت کند و انسان به آن یگانگی نائل شود، در حدّ خودش همه‌ی این حوادث را می‌بیند که دارد برای خودش رخ می‌دهد. همه‌ی آن مصائب و آلام بر خود او وارد می‌شود و کسی که به مقام رضا رسیده است، در عین اینکه از نظر جنبه‌های خَلقی آن ضربه‌ها، ضربه‌های سنگینی است که چیزی از او برجا نمی‌گذارد، اما در جنبه‌های باطنی و معنوی، اوج شادمانی و شکوفایی است! برای کسی که موقّق به این امر است، توفیق چنین جانبازی و ایثاری در راه محبوب، بیشترین نشاطها و شادی‌های باطنی را سبب می‌شود. امام سجّاد علیه السلام فرمودند: روز عاشورا هرچه لحظه‌ی شهادت پدرم نزدیک‌تر می‌شد، هرچه داغ‌ها سنگین‌تر و مصائب دشوارتر می‌شد، چهره‌ی پدرم و برخی از برجستگان اصحاب، گلگون‌تر، شاداب‌تر، متبسّم‌تر و سرحال‌تر می‌شد.^۲ اینها آثار جنبه‌ی نشاط باطنی است؛ نشاط از اینکه چنین موقّقتی را خدا نصیب ما کرد! و ما این‌طور پاکبازانه، هرچه داریم به محضر محبوب و معشوق حقیقی تقدیم می‌کنیم!

علی‌ای‌حال جنبه‌های ظاهری [این موقّقت] برای کسی که به مقام یگانگی تامّ با حجّت خدا رسیده، مصیبتی است! اباعبدالله‌الحسین علیه السلام مصائب تک‌تک اصحابشان را و بعد اولادشان را، بنی‌هاشم را که به میدان می‌رفتند، همه را خودشان متحمّل می‌شدند! در کنار کسی که داشت شهید می‌شد، یک‌تنه همه‌ی مصائب را متحمّل می‌شدند و بعد روی آن مصائب، مصیبت شهادت خود اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است. حجّت خدا ارزوتنا به دلیل آن یگانگی مطلق با اباعبدالله‌الحسین علیه السلام تمام این مصائب را متحمّل می‌شوند! یعنی مصائب اصحاب را، مصائب اولاد را، مصائب اهل‌بیت علیهم السلام را، مصائب خود اباعبدالله‌الحسین علیه السلام را، مصائب زینب کبری علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام را، سکینه بنت‌الحسین علیها السلام و رقیه بنت‌الحسین علیها السلام را، و مصائب همه‌ی قافله‌ی اسرا را حجّت خدا ارزوتنا یک‌تنه متحمّل می‌شوند. اینکه

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷؛ صدوق، مقتل، ص ۱۶۷؛ موسوعه‌الامام‌الحسین، ج ۷، ص ۳، ص ۵۲۷؛ جزائری، ریاض‌الابرار،

ج ۱، ص ۱۹۲: وَ كَانَ الْحُسَيْنُ وَ بَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تَشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَ تَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَ تَسْكُنُ نُفُوسُهُمْ....

اهل معرفت معمولاً مقید هستند شب تاسوعا، روز تاسوعا، شب عاشورا، و روز عاشورا، برای سلامتی حجت خدا ﷺ صدقه کنار بگذارند، به خاطر این است که قلب وجود مقدس بقية الله ﷺ در جنبه‌های ظاهری و خلقی متحمل این همه داغ و مصیبت است! البته گفتیم در جنبه‌های باطنی، در جنبه‌های حقیقت، اوج نشاط است! اوج شکوفایی است! اوج شادی است! **مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ**:^۳ تلخی‌های دنیا، شیرینی‌های آخرت است. گرچه در جنبه‌های دنیوی و خلقی مرارت است اما در جنبه‌های باطنی و حقیقت، اوج شیرینی و حلاوت است!

علی‌ای‌حال به دوستان حضرت هم این داغ بزرگی را که بر دل همه‌ی اهل حقیقت، اهل محبت، در این ایام نشست، تسلیت عرض می‌کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۵۱۲؛ آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۰۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۱.